



عاطفه خسروی
مدیر مسئول

تنگه‌ها از مهم‌ترین نقاط راهبردی در جغرافیای سیاسی جهان به شمار می‌آیند، زیرا مسیر اتصال دریاها، اقیانوس‌ها و شاهراه‌های اصلی تجارت بین‌المللی هستند. بسیاری از کشورها برای صادرات و واردات کالا، انتقال انرژی و دسترسی به بازارهای جهانی به این گذرگاه‌های باریک دریایی وابسته‌اند. به همین دلیل کنترل، امنیت و ثبات تنگه‌ها همواره یکی از موضوعات مهم در سیاست بین‌الملل بوده است.

اهمیت سیاسی تنگه‌ها زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم بخش بزرگی از نفت، گاز و کالاهای اساسی جهان از این مسیرها عبور می‌کند. تنگه‌هایی مانند هرمز، مالاکا و باب‌المندب نه تنها مسیرهای اقتصادی، بلکه ابزارهای اثرگذاری ژئوپلیتیکی نیز محسوب می‌شوند. بنابراین هرگونه تنش نظامی، نامنی یا محدودیت در این مناطق می‌تواند بر نرخ انرژی، تجارت جهانی و حتی روابط سیاسی میان کشورها تأثیر مستقیم بگذارد.

قدرت‌های بزرگ جهانی نیز به دلیل همین اهمیت، حضور سیاسی و نظامی فعالی در اطراف تنگه‌های مهم دارند. استقرار ناوگان‌های دریایی، ایجاد پایگاه‌های نظامی و مشارکت در ائتلاف‌های امنیت دریایی بخشی از رقابت قدرت‌ها برای حفظ نفوذ در این مناطق است. در واقع، بسیاری از تنگه‌ها به نقاط حساس رقابت ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده‌اند.

از سوی دیگر، کشورهایی که بر تنگه‌های مهم تسلط جغرافیایی دارند، از موقعیت راهبردی ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. این کشورها می‌توانند از موقعیت خود برای تقویت نقش سیاسی و اقتصادی‌شان در سطح منطقه‌ای و جهانی استفاده کنند. به همین دلیل، تنگه‌ها فقط مسیرهای دریایی ساده نیستند، بلکه بخشی مهم از موازنه قدرت و امنیت جهانی به شمار می‌روند.

مهم‌ترین تنگه‌های جهان معمولاً آن‌هایی هستند که نقشی حیاتی در تجارت انرژی، حمل‌ونقل کالا، امنیت دریایی و ارتباطات بین‌المللی دارند. به عنوان مثال تنگه هرمز، گلوگاه اصلی انتقال نفت و LNG از خلیج فارس به بازارهای جهانی بوده و از مهم‌ترین نقاط استراتژیک جهان به شمار می‌رود.

یا تنگه باب‌المندب که پیوندهای دریایی سرخ و اقیانوس هند بوده و مسیر حیاتی برای تجارت اروپا-آسیا و برقرارکننده ارتباط با کانال سوئز است. این دو تنگه نقش بالایی در جغرافیای سیاسی منطقه دارند و بر همین اساس امروز هم به اهرم قدرتی در منطقه تبدیل شده‌اند.

گشت کوهانی در موتور جست‌وجوگر گوگل درباره مهم‌ترین تنگه‌های جهان اطلاعات زیر را ارائه می‌دهد:

- تنگه مالاکا یکی از شلوغ‌ترین مسیرهای دریایی جهان بین مالزی، اندونزی و سنگاپور است و مسیر اصلی تجارت بین آسیا و اروپا به شمار می‌رود.

- تنگه جبل‌الطارق دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس متصل می‌دهد. این تنگه در تجارت اروپا، شمال آفریقا و آمریکا جایگاه حائز اهمیتی دارد.

- تنگه دانمارک بین گرینلند و ایسلند و نروژ قرار گرفته و از نظر نظامی و دریایی دارای اهمیت بالایی است. این تنگه بخشی از مسیرهای قطبی جدید در حال توسعه به شمار می‌رود.

- تنگه بسفر و داردانل ترکیه؛ دو تنگه مرتبط که دریای سیاه را به دریای مرمره و سپس مدیترانه وصل می‌کنند و یکی از مسیرهای مهم تجارت انرژی روسیه و کشورهای حوزه دریای سیاه به شمار می‌روند.

- کانال سوئز به لحاظ کارکرد شبیه تنگه محسوب می‌شود و مسیر حیاتی اروپا-آسیا است. انسداد آن موجب اختلال شدید در تجارت جهانی می‌شود.

- کانال پاناما همچنان نقش مشابه تنگه را دارد و با اتصال اقیانوس آرام به اطلس، دارای اهمیت بالایی برای تجارت آمریکا و آسیاست.

- تنگه هرمز (گنجان (لومباک) و سوندا - اندونزی نیز مسیرهای جایگزین تنگه مالاکا بوده و اهمیت بالایی در تجارت آسیا دارند. از سوی دیگر با در نظر گرفتن نقش حیاتی در انتقال نفت و گاز مایع (LNG) و سهم قابل توجه در بازارهای جهانی انرژی، این تنگه‌ها از منظر اهمیت انرژی به ترتیب زیر رتبه‌بندی می‌شوند:

- تنگه هرمز، بدون شک مهم‌ترین تنگه جهان از نظر انرژی است. حدود یک‌پنجم نفت مصرفی جهان و بخش قابل توجهی از LNG از این تنگه عبور می‌کند. هرگونه اختلال در آن مستقیماً بر نرخ و عرضه جهانی انرژی تأثیر می‌گذارد.

- اهمیت اصلی تنگه مالاکا در حمل‌ونقل کلی کالا بین شرق و غرب است، اما بخش عظیمی از نفت و LNG از آسیا به بازارهای جهانی (و برعکس) از این تنگه عبور می‌کند. این تنگه یکی از شلوغ‌ترین مسیرهای دریایی برای انتقال انرژی است.

- تنگه باب‌المندب هم مسیر اصلی دسترسی به کانال سوئز است که خود شریان حیاتی برای انتقال انرژی از خاورمیانه به اروپا و آمریکا محسوب می‌شود. بنابراین، اهمیت آن به دلیل ارتباط مستقیم با یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان است.

- تنگه جبل‌الطارق هم دروازه ورود به دریای مدیترانه و سپس کانال سوئز برای کشورهای اروپایی و شمال آفریقا است و بخش قابل توجهی از انرژی مورد نیاز این مناطق از طریق این تنگه تأمین می‌شود.

- تنگه‌های بسفر و داردانل نیز مسیر اصلی انتقال نفت و گاز از روسیه و کشورهای حوزه دریای سیاه به بازارهای جهانی، به ویژه اروپا هستند. نقش آنها در تأمین انرژی این منطقه بسیار پررنگ است.

- کانال سوئز و کانال پاناما نیز با اینکه تنگه نیستند، اما در این رتبه‌بندی از نظر اهمیت در انتقال انرژی (به‌ویژه نفت و LNG) بسیار بالا قرار می‌گیرند و اهمیتشان گاهی با مهم‌ترین تنگه‌ها برابری می‌کند.

اهمیت تنگه هرمز در تجارت انرژی آنجایی نمایان می‌شود که بدانیم روزانه حدود ۱۸ تا ۲۰ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از این تنگه عبور می‌کند. بر اساس آمار بیش از ۲۰ درصد نفت مصرفی جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند و تا ۲۵ درصد تجارت جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) نیز از این مسیر منتقل می‌شود.

با توجه به موارد یاد شده تنگه هرمز را می‌توان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی در جهان خواند که هرگونه اختلال در آن می‌تواند به سرعت باعث افزایش نرخ نفت، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل و در نتیجه اثرگذاری بر بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود.

نقش تنگه هرمز در امنیت انرژی جهان و در معادلات بین‌المللی این منطقه را در کانون رقابت‌های سیاسی و نظامی قرار داده و نقشی حیاتی در ثبات اقتصاد جهانی به این محدوده از جغرافیا داده است. اینجاست که اهمیت نقش و جایگاه ایران در تسلط بر تجارت جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) نیز از این مسیر منتقل می‌شود.

با توجه به موارد یاد شده تنگه هرمز را می‌توان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی در جهان خواند که هرگونه اختلال در آن می‌تواند به سرعت باعث افزایش نرخ نفت، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل و در نتیجه اثرگذاری بر بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود.

نقش تنگه هرمز در امنیت انرژی جهان و در معادلات بین‌المللی این منطقه را در کانون رقابت‌های سیاسی و نظامی قرار داده و نقشی حیاتی در ثبات اقتصاد جهانی به این محدوده از جغرافیا داده است. اینجاست که اهمیت نقش و جایگاه ایران در تسلط بر تجارت جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) نیز از این مسیر منتقل می‌شود.

با توجه به موارد یاد شده تنگه هرمز را می‌توان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی در جهان خواند که هرگونه اختلال در آن می‌تواند به سرعت باعث افزایش نرخ نفت، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل و در نتیجه اثرگذاری بر بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود.

نقش تنگه هرمز در امنیت انرژی جهان و در معادلات بین‌المللی این منطقه را در کانون رقابت‌های سیاسی و نظامی قرار داده و نقشی حیاتی در ثبات اقتصاد جهانی به این محدوده از جغرافیا داده است. اینجاست که اهمیت نقش و جایگاه ایران در تسلط بر تجارت جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) نیز از این مسیر منتقل می‌شود.

با توجه به موارد یاد شده تنگه هرمز را می‌توان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی در جهان خواند که هرگونه اختلال در آن می‌تواند به سرعت باعث افزایش نرخ نفت، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل و در نتیجه اثرگذاری بر بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود.

نقش تنگه هرمز در امنیت انرژی جهان و در معادلات بین‌المللی این منطقه را در کانون رقابت‌های سیاسی و نظامی قرار داده و نقشی حیاتی در ثبات اقتصاد جهانی به این محدوده از جغرافیا داده است. اینجاست که اهمیت نقش و جایگاه ایران در تسلط بر تجارت جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) نیز از این مسیر منتقل می‌شود.

با توجه به موارد یاد شده تنگه هرمز را می‌توان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی در جهان خواند که هرگونه اختلال در آن می‌تواند به سرعت باعث افزایش نرخ نفت، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل و در نتیجه اثرگذاری بر بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود.

نقش تنگه هرمز در امنیت انرژی جهان و در معادلات بین‌المللی این منطقه را در کانون رقابت‌های سیاسی و نظامی قرار داده و نقشی حیاتی در ثبات اقتصاد جهانی به این محدوده از جغرافیا داده است. اینجاست که اهمیت نقش و جایگاه ایران در تسلط بر تجارت جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) نیز از این مسیر منتقل می‌شود.

هرمز کابوس واشنگتن

جمله مواد اولیه صنعتی، محصولات پتروشیمی و برخی کالاهای تجاری نیز از آن عبور می‌کنند. بنابراین ثبات و امنیت در این تنگه برای تداوم جریان تجارت بین‌المللی اهمیت حیاتی دارد.

به همین دلیل بسیاری از کشورها و قدرت‌های اقتصادی جهان توجه ویژه‌ای به امنیت این منطقه دارند. حفظ امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز نه تنها برای کشورهای منطقه بلکه برای اقتصاد جهانی نیز اهمیت راهبردی دارد، زیرا هرگونه اختلال در این گذرگاه می‌تواند زنجیره تأمین انرژی و کالا را در سطح جهان تحت تأثیر قرار دهد و پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

اهمیت این مسیر در ماه‌های اخیر و به دنبال تنش‌های میان ایران و آمریکا بیشتر شده و **۱۳۹۷** در این شماره ضمن بررسی جایگاه تنگه هرمز در اقتصاد ایران و جهان به تاثیر شرایط فعلی بر موضوعاتی مانند نقل و انتقال کالا از این مسیر بین‌المللی و تأمین انرژی جهان پرداخته است.

با این شماره **۱۳۹۷** همراه باشید.

می‌کند، مسیر اصلی صادرات نفت بسیاری از کشورهای تولیدکننده خاورمیانه مانند ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات و قطر به بازارهای جهانی است. به همین دلیل هرگونه اختلال در رفت‌وآمد کشتی‌ها در این منطقه می‌تواند به سرعت بر بازارهای جهانی انرژی تأثیر بگذارد.

بخش قابل توجهی از نفت و گاز مایع جهان از این مسیر عبور می‌کند. برآوردها نشان می‌دهد حدود یک‌پنجم نفت مصرفی جهان و بخش مهمی از تجارت جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) از تنگه هرمز عبور می‌کند.

این حجم عظیم از انتقال انرژی باعث شده است که تنگه هرمز به یکی از حساس‌ترین نقاط اقتصاد جهانی تبدیل شود؛ به‌گونه‌ای که کوچک‌ترین تنش یا نامثلی در آن می‌تواند موجب افزایش قیمت نفت و ایجاد نوسان در بازارهای جهانی شود.

اهمیت تنگه هرمز تنها به انرژی محدود نمی‌شود. این مسیر دریایی بخشی از شبکه بزرگ حمل‌ونقل دریایی جهان است و کالاهای متنوعی از

تنگه هرمز فقط برای نفت اهمیت ندارد، بلکه یکی از مسیرهای کلیدی تجارت دریایی جهان نیز محسوب می‌شود. بسیاری از کالاهای صنعتی، پتروشیمی و حتی محصولات مصرفی از طریق کشتی‌هایی که از این مسیر عبور می‌کنند، به بازارهای جهانی می‌رسند.

این مسیر به نوعی پل ارتباطی بین شرق و غرب در حوزه انرژی و تجارت است. کشورهایی مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی وابستگی شدیدی به انرژی عبوری از این منطقه دارند. به همین دلیل، هرگونه اختلال در تنگه هرمز می‌تواند زنجیره تولید و مصرف در این کشورها را تحت تأثیر قرار دهد.

از این منظر، تنگه هرمز فقط یک نقطه جغرافیایی نیست، بلکه یک عنصر حیاتی در معماری تجارت جهانی است. همین اهمیت باعث شده که موضوع امنیت آن همیشه در دستور کار قدرت‌های جهانی قرار داشته باشد.

این تنگه باریک که خلیج فارس را به دریای عمان و اقیانوس هند متصل

اهمیت «هرمز» از منظر حقوق بین‌الملل

ایران، که یکی از متحدان چین در منطقه محسوب می‌شود، نگرانی‌هایی را برای یکن به همراه دارد. در صورتی که این تحولات منجر به تصاعد بحران شود، این امر یک شکست استراتژیک بلندمدت برای منافع چین تلقی خواهد شد. به همین دلیل، چین تلاش می‌کند تا روابط خود را با سایر کشورهای منطقه گسترش دهد. درباره روسیه نیز سناریوی مشابهی قابل تبیین است.

مؤلفه سوم تأثیر بحران حاکم بر اقتصاد چین و روسیه است. یعنی هرگونه اختلال در تنگه هرمز و عبور و مرور نفت‌کش‌ها، به‌طور قطع اقتصاد چین را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. با وجود تلاش چین برای اخذ مجوز عبور نفت‌کش‌های خود، این مسئله بر منافع اقتصادی این کشور تأثیر منفی خواهد گذاشت. به دلیل تأثیرات اقتصادی و استراتژیک این تحولات، چین نیز جزو کشورهایی است که تلاش خواهد کرد تا مساله تنگه هرمز را از طریق دیپلماسی و بدون اقدام نظامی حل و فصل نماید. از همین رو احتمالاً چین با ائتلافی که توسط کشورهای اروپایی در حال تشکیل است، همکاری خواهد کرد، هرچند لزوماً عضو رسمی آن نخواهد شد، اما در جهت تأمین امنیت تنگه هرمز مشارکت خواهد داشت.

نکته دیگر اینکه بحران در خاورمیانه و تنگه هرمز، عامل مهمی در افزایش قیمت جهانی نفت است. این افزایش قیمت به‌شدت به نفع روسیه است، به خصوص در شرایطی که این کشور با تحریم‌های گسترده مواجه است و اموالش مسدود شده است. افزایش قیمت نفت، منافع اقتصادی بلندمدت روسیه را تأمین می‌کند. در کوتاه‌مدت، روسیه از افزایش قیمت نفت که در نتیجه بحران کنونی حاصل شده، استقبال می‌کند. این افزایش قیمت، منافع اقتصادی فوری و قابل توجهی برای این کشور به همراه دارد.

از منظر دیگر با توجه به حضور بسیار کم نفت‌کش‌های روسی در تنگه هرمز، نگرانی چندانی برای روسیه در خصوص عبور و مرور نفت‌کش‌ها در این منطقه وجود ندارد.

نکته پایانی؛ از آنجا که بحران حاکم در منطقه همچنان پابرجا است و به پایان نرسیده، نمی‌توان به‌طور قطعی در مورد پیامدهای نهایی آن صحبت کرد. آتش‌بس موقتی که برقرار شده، بسیار شکننده است و هر لحظه ممکن است زمینه برای رویارویی هموار شود.

نمی‌توان انکار کرد که محدودسازی تنگه هرمز در قالب محاصره دریایی، صادرات نفت ایران را محدود و فشار اقتصادی را افزایش خواهد داد. هرچند همین کنش زمینه را برای افزایش فشار بر سایر بازیگران بین‌الملل هموار می‌کند. از همین رو راهبرد آمریکا در حال حاضر، بهره‌گیری حداکثری از این اهرم برای پرهیز از ورود به یک درگیری نظامی تمام‌عیار است؛ به این معنا که مقام‌های سیاسی ایالات متحده ترجیح می‌دهند سطح تنش را محدود نگه داشته و از محاصره دریایی برای امتیازگیری استفاده کنند.

پایداری این وضعیت یا نقض آتش‌بس، مستقیماً به ابعاد فشار وارده بر ایران بستگی دارد؛ چنانچه تهران این محاصره را غیرقابل تحمل ببیند، ممکن است واکنش نظامی نشان داده که به تبع آن، زمینه برای رویارویی تازه هموار خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت محاصره دریایی ایران توسط دولت ترامپ، اقدامی برای مدیریت و عدم گسترش درگیری است تا این بازیگر از طریق فشار اقتصادی به اهداف خود دست یابد. این کشور تنها در صورت شکست این مسیر یا واکنش ایران، احتمالاً از آتش‌بس شکننده فعلی عبور کرده و وارد مرحله تازه‌ای از تنش‌های نظامی خواهد شد.

در تحلیل مواضع و منافع چین و روسیه در قبال تحولات تنگه هرمز نیز می‌توان گفت تحولات اخیر در تنگه هرمز از چند منظر برای چین و روسیه حائز اهمیت است: نخست فرصت استراتژیک درگیری آمریکا در منطقه، به‌طوریکه درگیری و بحران‌سازی آمریکا در خاورمیانه، از استراتژی بلندمدت چین، یک امتیاز محسوب می‌شود. هرچه آمریکا بیشتر درگیری بحران‌های بین‌المللی، فرصت بیشتری برای چین فراهم می‌گردد تا فاصله اقتصادی و نظامی خود را با آمریکا کاهش دهد. بنابراین، درگیری بیشتر آمریکا در منطقه به نفع چین خواهد بود. همچنین در رابطه با روسیه درگیری و تمرکز آمریکا بر ایران و خاورمیانه، به‌طور طبیعی منجر به کاهش توجه و منابع این کشور به بحران اوکراین و منطقه اروپا خواهد شد. این وضعیت فرصتی برای روسیه است تا اهداف خود در اوکراین را با تمرکز کمتری از سوی آمریکا، پیش ببرد.

دوم نگرانی از تغییرات ژئوپلیتیکی. در اصل اقدامات تهاجمی آمریکا علیه



مجدید محمد شریفی - عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی: تنگه هرمز به عنوان یک آبراه بین‌المللی استراتژیک، به دلیل تأثیرگذاری قابل توجه بر اقتصاد و امنیت جهانی، از منظر حقوق بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس معاهدات و اصول حقوق بین‌الملل، هیچ کشوری اجازه مسدود کردن آبراه‌های بین‌المللی را ندارد. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران نیز در بیانیه‌های رسمی خود اعلام کرده که تنگه هرمز را مسدود نکرده است. با این حال، در شرایط جنگی، ایران اجازه عبور و مرور به برخی کشتی‌های خاص را با رعایت شرایطی خاص، امکان‌پذیر می‌داند. به بیانی دیگر مبانی حقوق بین‌الملل که به واسطه‌اش هیچ کشوری حق بستن تنگه هرمز را ندارد شامل حال محاصره دریایی توسط کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا نیز می‌شود، زیرا آبراه‌های بین‌المللی تحت حاکمیت قوانین و معاهدات بین‌المللی قرار دارند و هرگونه اقدام یک‌جانبه در جهت مسدودسازی آنها، مغایر با حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد. اما درباره مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز توسط ایران باید گفت، در شرایط جنگی حاکم بر منطقه اصل تلاش برای افزایش توان دفاعی است و از همین رو بسیاری از قوانین حقوق بین‌الملل کم رنگ‌تر شده یا نادیده گرفته می‌شود. همانطور که در دوران حمله آمریکا و اسرائیل به ایران مشاهده شد، بسیاری از قواعد و حقوق بین‌الملل زیر پا گذاشته شد. مدیریت تنگه هرمز توسط ایران می‌تواند در کوتاه‌مدت اقدامی در جهت کاهش صدمات احتمالی وارده از سوی دشمنی یا افزایش قدرت بازدارندگی باشد و به‌طور موقت به نفع جمهوری اسلامی ایران تمام شود. با این حال، اگر بخواهیم صادقانه بیان کنیم، در بلندمدت این امر نمی‌تواند به یک رویه یا هنجار (نرم) تبدیل شود که جمهوری اسلامی ایران بخواهد به‌طور مداوم بدان تکیه کند. شریفی در ادامه تأکید کرد در بلندمدت، در شرایطی که کشور در تلاش برای برقراری روابط عادی با سایر کشورهای منطقه و روابط اقتصادی با تمام دنیا و حضور در تجارت بین‌المللی است، نمی‌توان تنگه هرمز را در بلندمدت به عنوان یک برگ برنده در نظر گرفت چرا که می‌تواند آثار منفی برای کشورمان به همراه داشته باشد.

یادداشت

حاکمیت قوانین بین‌المللی بر تنگه‌هرمز

پیامدهای اقدامات کنونی و در دستور کار ایران
اقدامات جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز، پیامدهای حقوقی، سیاسی و اقتصادی قابل توجهی به همراه دارد:

از منظر حقوقی، این اقدامات می‌توانند مبنایی برای اقدامات متقابل بین‌المللی باشند. ایران می‌تواند مسئولیت بین‌المللی یافته و ملزم به جبران خسارات وارده شود. علاوه بر این، با توجه به تأثیرات گسترده انسداد بر صلح و امنیت بین‌المللی، احتمال صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد (که اجازه اقدامات قهری، از جمله اقدامات نظامی را می‌دهد) به شدت افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند مشروعیت بین‌المللی برای مداخله نظامی را فراهم آورد.

از نظر سیاسی، چنین اقدامی منجر به انزوای سیاسی فزاینده ایران، تیرگی روابط دیپلماتیک و تشدید تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. این وضعیت همچنین می‌تواند به شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی جدید علیه ایران و تغییرات اساسی در موازنه قدرت در منطقه خلیج فارس منجر گردد.

در عرصه اقتصادی، انسداد تنگه اختلالات شدید در عرضه جهانی انرژی (به ویژه نفت خام) به‌وجود آورده و به افزایش چشمگیر قیمت‌ها و بحران اقتصادی جهانی منجر خواهد شد. همچنین چالش‌های جدی در راه رفع تحریم‌ها، محدودیت بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی برای ایران ایجاد خواهد شد.

کزینه‌های حقوقی جایگزین
در راستای تأمین منافع ملی و کاهش تنش، اقدامات زیر قابل توصیه است:

۱- اتخاذ اقدامات دفاعی محدود و متناسب در برابر تهدیدات فوری و مستقیم

۲- توسل به سازوکارهای حقوقی بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات و منازعات

۳- همکاری‌های منطقه‌ای جهت تأمین امنیت با کشورهای حوزه خلیج فارس

۴- ارائه خدمات دریایی در تنگه و دریافت هزینه در قبال آن (مانند سنگاپور، دانمارک، ترکیه، شیلی و...)

نتیجه‌گیری
تنگه هرمز تحت رژیم حقوقی خاصی قرار دارد که آزادی عبور ترانزیت را تضمین می‌کند. هرگونه اقدام محدودکننده باید در چارچوب اصول حقوق بین‌الملل و معیارهای دفاع مشروع ارزیابی شود. اقدامات گسترده‌ای مانند انسداد یا اخذ عوارض عبور، در اغلب موارد فاقد مشروعیت حقوقی بوده و می‌تواند پیامدهای جدی بین‌المللی به همراه داشته باشد. در مقابل، اتخاذ رویکردی مبتنی بر حقوق، همکاری منطقه‌ای و اقدامات متناسب، مسیر پایدارتری برای تأمین منافع ملی خواهد بود.

ضرورت (necessity)، تناسب (proportionality)، فوریت (immediacy)؛ این معیارها در رويه قضایی بین‌المللی تثبیت شده‌اند (ICJ, ۱۹۸۶).

۲- ارزیابی اقدام به انسداد تنگه هرمز
مطابق مواد ۳۷ تا ۴۴ کنوانسیون UNCLOS، در تنگه هرمز به عنوان یک تنگه بین‌المللی، «حق ترانزیت بی‌ضرر» برای کشتی‌های تمام کشورها محفوظ، و ایجاد هرگونه محدودیت ممنوع است. این حق، عبور بدون توقف و بدون انجام عملیات مغایر با اهداف کنوانسیون است. در شرایطی که حمله‌ای از مبدا خلیج فارس علیه ایران صورت گیرد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا اقدامات محدودکننده در تنگه هرمز قابل توجیه هستند؟ در پاسخ باید گفت اقدامات محدود و هدفمند در صورت ارتباط مستقیم با دفع حمله، ممکن است قابل توجیه باشند. این درحالی است که انسداد و ایجاد محدودیت گسترده، به دلیل تأثیر بر کشتیرانی جهانی، تجارت بین‌المللی و عرضه انرژی، با اصل تناسب ناسازگار است. بنابراین چنین اقداماتی می‌توانند به عنوان نقض تعهدات بین‌المللی و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شوند.

حدود قانونگذاری مجلس ایران در خصوص تنگه هرمز
بر اساس ماده ۴۲ کنوانسیون حقوق دریاهای، دولت ساحلی صرفاً می‌تواند مقرراتی در زمینه ایمنی دریانوردی، حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت ترافیک وضع کند، بدون آنکه عبور را تعلیق یا مختل نماید. با این حال، اخیراً در فرآیند تدوین پیش نویس طرح قانون اقدام راهبردی امنیت و توسعه پایدار تنگه هرمز(مصوب در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران) مواردی مطرح شده است که با روح و نص کنوانسیون حقوق دریاهای و عرف بین‌المللی ناظر بر تنگه‌های مورد استفاده برای کشتیرانی بین‌المللی در تعارض قرار دارند:

کنترل کامل عبور: اعمال کنترل کامل بر عبور کشتی‌ها، با ماهیت آزادی عبور ترانزیت در تعارض است و می‌تواند نقض مستقیم حقوق بین‌الملل تلقی شود (United Nations, ۱۹۸۲).

منع عبور کشتی‌های خاص: محدودسازی عبور بر اساس ملیت یا مواضع سیاسی، با اصل عدم تبعیض در حقوق دریاهای ناسازگار است (Churchill & Lowe, ۱۹۹۹).

بازرسی کشتی‌ها: اختیار بازرسی در رژیم عبور ترانزیت بسیار محدود است و تنها در شرایط استثنایی قابل اعمال است (Tanaka, ۲۰۱۹).

دریافت عوارض: دریافت عوارض صرفاً برای عبور، مغایر با ماهیت عبور ترانزیت است. تنها هزینه‌های مرتبط با خدمات واقعی و به صورت غیرتبعیض آمیز قابل توجیه هستند (United Nations, ۱۹۸۲).

بازرسی کشتی‌ها: اختیار بازرسی در رژیم عبور ترانزیت بسیار محدود است و تنها در شرایط استثنایی قابل اعمال است (Tanaka, ۲۰۱۹).

دریافت عوارض: دریافت عوارض صرفاً برای عبور، مغایر با ماهیت عبور ترانزیت است. تنها هزینه‌های مرتبط با خدمات واقعی و به صورت غیرتبعیض آمیز قابل توجیه هستند (United Nations, ۱۹۸۲).

بازرسی کشتی‌ها: اختیار بازرسی در رژیم عبور ترانزیت بسیار محدود است و تنها در شرایط استثنایی قابل اعمال است (Tanaka, ۲۰۱۹).

دریافت عوارض: دریافت عوارض صرفاً برای عبور، مغایر با ماهیت عبور ترانزیت است. تنها هزینه‌های مرتبط با خدمات واقعی و به صورت غیرتبعیض آمیز قابل توجیه هستند (United Nations, ۱۹۸۲).

بازرسی کشتی‌ها: اختیار بازرسی در رژیم عبور ترانزیت بسیار محدود است و تنها در شرایط استثنایی قابل اعمال است (Tanaka, ۲۰۱۹).

دریافت عوارض: دریافت عوارض صرفاً برای عبور، مغایر با ماهیت عبور ترانزیت است. تنها هزینه‌های مرتبط با خدمات واقعی و به صورت غیرتبعیض آمیز قابل توجیه هستند (United Nations, ۱۹۸۲).

بازرسی کشتی‌ها: اختیار بازرسی در رژیم عبور ترانزیت بسیار محدود است و تنها در شرایط استثنایی قابل اعمال است (Tanaka, ۲۰۱۹).

دریافت عوارض: دریافت عوارض صرفاً برای عبور، مغایر با ماهیت عبور ترانزیت است. تنها هزینه‌های مرتبط با خدمات واقعی و به صورت غیرتبعیض آمیز قابل توجیه هستند (United Nations, ۱۹۸۲).

بازرسی کشتی‌ها: اختیار بازرسی در رژیم عبور ترانزیت بسیار محدود است و تنها در شرایط استثنایی قابل اعمال است (Tanaka, ۲۰۱۹).

دریافت عوارض: دریافت عوارض صرفاً برای عبور، مغایر با ماهیت عبور ترانزیت است. تنها هزینه‌های مرتبط با خدمات واقعی و به صورت غیرتبعیض آمیز قابل توجیه هستند (United Nations, ۱۹۸۲).

بازرسی کشتی‌ها: اختیار بازرسی در رژیم عبور ترانزیت بسیار محدود است و تنها در شرایط استثنایی قابل اعمال است (Tanaka, ۲۰۱۹).

مجدید محمد شریفی - عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی: تنگه هرمز به عنوان یک آبراه بین‌المللی استراتژیک، به دلیل تأثیرگذاری قابل توجه بر اقتصاد و امنیت جهانی، از منظر حقوق بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس معاهدات و اصول حقوق بین‌الملل، هیچ کشوری اجازه مسدود کردن آبراه‌های بین‌المللی را ندارد. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران نیز در بیانیه‌های رسمی خود اعلام کرده که تنگه هرمز را مسدود نکرده است. با این حال، در شرایط جنگی، ایران اجازه عبور و مرور به برخی کشتی‌های خاص را با رعایت شرایطی خاص، امکان‌پذیر می‌داند. به بیانی دیگر مبانی حقوق بین‌الملل که به واسطه‌اش هیچ کشوری حق بستن تنگه هرمز را ندارد شامل حال محاصره دریایی توسط کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا نیز می‌شود، زیرا آبراه‌های بین‌المللی تحت حاکمیت قوانین و معاهدات بین‌المللی قرار دارند و هرگونه اقدام یک‌جانبه در جهت مسدودسازی آنها، مغایر با حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد. اما درباره مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز توسط ایران باید گفت، در شرایط جنگی حاکم بر منطقه اصل تلاش برای افزایش توان دفاعی است و از همین رو بسیاری از قوانین حقوق بین‌الملل کم رنگ‌تر شده یا نادیده گرفته می‌شود. همانطور که در دوران حمله آمریکا و اسرائیل به ایران مشاهده شد، بسیاری از قواعد و حقوق بین‌الملل زیر پا گذاشته شد. مدیریت تنگه هرمز توسط ایران می‌تواند در کوتاه‌مدت اقدامی در جهت کاهش صدمات احتمالی وارده از سوی دشمنی یا افزایش قدرت بازدارندگی باشد و به‌طور موقت به نفع جمهوری اسلامی ایران تمام شود. با این حال، اگر بخواهیم صادقانه بیان کنیم، در بلندمدت این امر نمی‌تواند به یک رویه یا هنجار (نرم) تبدیل شود که جمهوری اسلامی ایران بخواهد به‌طور مداوم بدان تکیه کند. شریفی در ادامه تأکید کرد در بلندمدت، در شرایطی که کشور در تلاش برای برقراری روابط عادی با سایر کشورهای منطقه و روابط اقتصادی با تمام دنیا و حضور در تجارت بین‌المللی است، نمی‌توان تنگه هرمز را در بلندمدت به عنوان یک برگ برنده در نظر گرفت چرا که می‌تواند آثار منفی برای کشورمان به همراه داشته باشد.

یادداشت

رئوف زائری - کارشناس امور حقوق بین‌الملل: تنگه هرمز یک گذرگاه دریایی استراتژیک است که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند و حدود ۲۰ درصد از نفت جهان را عبور می‌دهد و برای تجارت بین‌المللی و امنیت انرژی حائز اهمیت است. این اهمیت راهبردی موجب شده است که هرگونه اقدام محدودکننده در این تنگه، آثار قابل توجهی در اقتصاد و معیشت جهانی داشته باشد. در این چارچوب، حقوق بین‌الملل دریاهای، به ویژه کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲، رژیم خاصی برای تنظیم عبور و مرور در چنین تنگه‌هایی پیش‌بینی کرده است.

اگرچه کشورهایی از جمله ایران عضو کنوانسیون حقوق دریاهای نیستند، اما بخش قابل توجهی از قواعد آن، به ویژه در زمینه آزادی کشتیرانی و رژیم عبور ترانزیت، در زمره حقوق بین‌الملل عرفی قرار گرفته‌اند (Brownlie, ۲۰۱۲). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه تنگه کورفو بر اهمیت آزادی عبور در تنگه‌های بین‌المللی تأکید کرده است (ICJ, ۱۹۴۹). اساساً کنوانسیون‌هایی نظیر UNCLOS که عام و قانون ساز محسوب می‌شوند، حتی برای کشورهای غیرعضو در آنها نیز الزام آور و در حکم قانون بین‌المللی هستند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۴).

ماهیت حقوقی تنگه هرمز و رژیم عبور ترانزیت
۱- **تنگه‌های بین‌المللی در حقوق دریاهای**
بر اساس حقوق بین‌الملل، تنگه‌هایی که برای کشتیرانی بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته و دو بخش از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی را به یکدیگر متصل می‌کنند، مشمول رژیم خاصی هستند (Tanaka, ۲۰۱۹). تنگه هرمز به وضوح در این دسته قرار می‌گیرد (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۴).

۲- **مفهوم عبور ترانزیت**
مطابق کنوانسیون حقوق دریاهای، عبور ترانزیت حقی است که به کشتی‌ها و هواپیماهای تمامی کشورهای اجازه می‌دهد به صورت مستمر و سراسری از تنگه اقتصادی را به یکدیگر متصل می‌کنند، مشمول arts ۳۷-۳۸). این رژیم نسبت به عبور بی‌ضرر، محدودیت‌های کمتری برای استفاده‌کنندگان و اختیارات محدودتری برای دولت ساحلی ایجاد می‌کند (Churchill & Lowe, ۱۹۹۹).

۳- **دفاع مشروع و محدودیت‌های آن در تنگه‌های بین‌المللی**
۱- **مبنای حقوقی دفاع مشروع**
مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دولت‌ها در صورت وقوع حمله مسلحانه از حق دفاع مشروع برخوردارند. این حق در حقوق عرفی نیز به رسمیت شناخته شده است (ICJ, ۱۹۸۶).

۲- **معیارهای حاکم بر دفاع مشروع**
اعمال دفاع مشروع مشروط به رعایت سه اصل اساسی است:

۱- **مبنای حقوقی دفاع مشروع**
مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دولت‌ها در صورت وقوع حمله مسلحانه از حق دفاع مشروع برخوردارند. این حق در حقوق عرفی نیز به رسمیت شناخته شده است (ICJ, ۱۹۸۶).

۲- **معیارهای حاکم بر دفاع مشروع**
اعمال دفاع مشروع مشروط به رعایت سه اصل اساسی است:

۱- **مبنای حقوقی دفاع مشروع**
مطابق ماده ۵